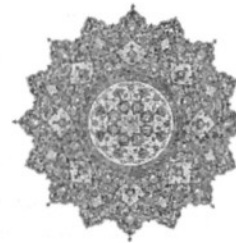


تاریخ درخشان صدر اسلام شاهد حضور مجاهدان و رزمندگان سلحشور و سخت کوشی است که به رهبری رسول الله (ص) در راه پاسداری از دین مبین اسلام و دستاوردهای ارزشمند آن، مردانه ایستادند و تا رسیدن به هدف متعالی خود لحظه‌ای از پای ننشستند.^۱ سؤال این است که این مجاهدان از چه ویژگی‌هایی بهره‌مند بودند که با اتکاء به آن صحنه‌های تابناک و افتخار آمیزی را برای تاریخ اسلام رقم زدند و پیروزی و ظفر را در آغوش گرفتند؟ نوشتاری که پیش رو دارید پرتوی است از برخی ویژگی‌های برجسته مجاهدان صدر اسلام که بازگویی آن مفید و مؤثر خواهد بود.^۲

در خصوص این موضوع، منابع متعدد و فراوان است، اما بی‌گمان قرآن کریم بهترین و شایسته‌ترین منبع و مأخذ است. در این مقاله نیز عمده مطالب با استناد به آیات کلام الله مجید ذکر شده است البته روایات، کتب سیره و برخی متون اخلاقی نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پیش از ورود به بحث ذکر دو نکته ضروری است: نکته اول این که همه مسلمانان و رزمندگانی که در سپاه اسلام حضور داشتند، از ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی - که در ادامه ذکر خواهد شد - بهره‌مند نبودند. در تاریخ صدر اسلام نیروهای رزمنده‌ای را داریم که به دلیل گرفتار شدن در آنها و ضد ارزش‌هایی مانند دنیا طلبی، کبر و غرور، تفرقه و اختلاف، سستی و هراس از جنگ و... سبب وارد آمدن لطماتی جبران‌ناپذیر بر سپاه اسلام و مسلمانان گشتند؛ نظیر آنچه در غزوه احد پیش آمد. آنها اگر چه جزء سپاه اسلام بودند، اما ویژگی مجاهدان راستین را نداشتند. مجاهدان راستین مسلمان کسانی بودند که در مکتب قرآن و مکتب پیامبر (ص) درس آموختند و درس خود را پس دادند و از آزمونهای سخت و نفس‌گیر سر بلند بیرون آمدند.

نکته دوم آن که ویژگی‌های ارزشمند مجاهدان صدر اسلام ریشه در فرهنگ ناب اسلامی و باورهای دینی آنها داشت؛ اما در این میان نقش شخصیت بی‌نظیر رسول الله (ص) به عنوان رهبر دینی، سیاسی و نظامی آنها بر هیچ کس پوشیده نیست. بسیاری از این رزمندگان از بین همان اعراب خونخواه، بی‌نظم و بی‌اعتقاد برخاسته بودند که رسول خدا (ص) نور ایمان را در دل آنها تاباند و از آنان قهرمانانی مؤمن، مجاهد، منضبط، مخلص و ایثارگر ساخت؛ همانها که ستونهای فضیلت و معنویت را در جامعه اسلامی برپا کردند و در پاسداشت دین، آیین و کیان خویش از هیچ چیز دریغ نورزیدند.



ویژگیهای مجاهدان (پاسداران) صدر اسلام

حبیب زمانی محجوب
کارشناس ارشد تاریخ اسلام

چکیده

پس از طلوع اسلام از افق جزیره العرب و دعوت همگانی پیامبر اسلام (ص)، دشمنان بسیاری بنای ستیز و خصومت با دین اسلام، پیامبر (ص) و مسلمانان گذاشتند و برای محو اسلام به هر روشی دست یازیدند. در این میان مجاهدانی نستوه و مقاوم به دفاع از رسول خدا (ص) برخاستند و در عرصه پاسداری از حریم دین اسلام حماسه آفریدند.

این مجاهدان راستین در ابعاد اعتقادی، ارزشی و رفتاری از ویژگی‌هایی برخوردار بودند که با اتکاء به آن، دشمنان دین و پیامبر اسلام را به خاک مذلت نشاندند. رفتارها و ویژگی‌های برجسته آنان درس و مشق برای همه انسانها در هر زمان و مکانی است تا از ستور نورانی آن در مسیر پرفراز و نشیب زندگی خویش بهره برند.

این نوشتار در پی آن است که آنچه‌وار بخشی از مؤلفه‌ها و ویژگیهای برجسته مجاهدان صدر اسلام را با تکیه بر آیات و روایات و شواهد تاریخی، بررسی و تبیین نماید تا لوا راه مجاهدان فی سبیل الله قرار گیرد. ان شاء الله

واژگان کلیدی: مجاهدان، صدر اسلام، جهاد، ویژگیهای اعتقادی، اخلاقی و نظامی.

ایمان سرآمد باورهای دینی و ریشه همه معنویات است. ایمان اساسی‌ترین گام در راه اخلاق و معیار تمام ارزشهای انسانی و حلقه ارتباط با خداست. ایمان سرچشمه توانایی، قدرت، پایداری، دلیری، توکل و اعتماد به نفس است و بزرگترین عامل پیروزی بر مشکلات محسوب می‌شود.^۳

از آنجا که انگیزه دفاعی در پرتو اعتقاد و عشق صادقانه به خدای متعال بارور می‌شود، جوهر مقاومت و حماسه نیز با تجلی قدرت در اراده و قلب انسان مجاهد تکون می‌یابد. باید پذیرفت که هویت دفاعی در فرهنگ جامعه تنها در مدار خدا باوری و ایمان و توکل به خدا تحقق پیدا می‌کند.

مجاهدان صدر اسلام به این خصلت و ویژگی الهی مسلح بوده و همین ایمان و اعتقاد راسخ بود که آنان را در نبردهای گوناگون پیروز می‌ساخت و هیچ عامل دیگری را نمی‌توان جایگزین آن کرد. مجاهدان مسلمان با تکیه بر ایمان آگاهانه، در بسیاری از غزوات و سریه‌ها با آنکه هم به لحاظ نیرو و هم به لحاظ تجهیزات در تنگنا بودند، باز بر سپاه کفر پیروز شدند. حضرت امام خمینی (ره) سر پیروزی مجاهدان صدر اسلام را همین ایمان به خدا می‌داند.^۴

لازم به ذکر است همان‌گونه که قوت ایمان سبب پیروزی است ضعف ایمان هم موجب شکست و ناکامی خواهد بود. چنانچه در جنگ احد ضعف ایمان و سستی برخی از مسلمانان، سبب مغلوب شدن لشکر اسلام و شهادت بیش از هفتاد نفر از یاران رسول خدا (ص) گردید.

سپاهیان اسلام عقیده‌ای استوار داشتند و ثبات و پایداریشان ناشی از همین ایمان قوی بود. این نیروی ایمان بود که آنان را وامی‌داشت هرگونه ملاحظه و خویشاوندی را کنار نهاده و روی در روی نزدیکترین خویشاوندان خویش بایستند. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید:

وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاتَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا؛ مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا...^۵

ما همراه رسول خدا (ص) با پدران، فرزندان، برادران و عموهایمان جنگیدیم؛ - این خویشاوندکشی، ما را ناخوش نمی‌نمود - بلکه بر ایمانمان می‌افزود...

پس از غزوه بنی مصطلق^۶، پسر عبدالله ابن ابی (سرکرده منافقان) نزد رسول خدا (ص) آمد تا اجازه قتل پدرش را به جرم فتنه‌انگیزی در سپاه اسلام بگیرد، اما پیامبر رحمت (ص) به او فرمود: «ما با او مدارا خواهیم کرد.»^۷ بدون شک تنها نور ایمان باعث می‌شد که مجاهدان صدر اسلام بر قلّه‌های رفیع ارزشها صعود نمایند و برای ماندگاری اسلام از نزدیکترین خویشان دل شویند.

۲-۱. توکل

توکل به خداوند متعال از ارزشهایی است که قرآن کریم رزمندگان مسلمان را بارها بدان توصیه می‌کند.^۸ توکل دستاورد و از ارکان و پایه‌های ایمان و معرفت انسان مؤمن است و هر چه ایمان و معرفت مؤمن به خداوند بیشتر و خالص‌تر باشد، اتصال و درجه اتکا و توکلش نیز قویتر خواهد شد.

وقتی رزمنده مسلمان قلب خود را با رابطه‌های اتکا و توکل به دریای قدرت و عظمت الهی متصل نماید، اراده و روحیه‌اش چنان قدرتمند می‌گردد که مغلوب هیچ عاملی نمی‌شود. شهید مطهری می‌نویسد: «جهاد و توکل مکمل یکدیگرند. جهاد، حمایت و پشتیبانی انسان از حق است و توکل در جهاد، اعتماد به حمایت و پشتیبانی خداوند از انسان».^۹

توکل به خداوند متعال به عنوان یک اصل در سیره جهادی مجاهدان صدر اسلام تجلی داشت. رزمندگان مسلمان و خداجوی در نبردهای مقدس خویش علیه دشمنان، همه تلاش و کوشش خود را با اخلاص به کار می‌گرفتند؛ در عین حال نصرت و پیروزی را تنها از جانب خدا دانسته و فقط بر او توکل می‌کردند و در مقابل قدرت الهی تمام قدرتها را ناچیز و بی‌اساس می‌انگاشتند.

امام مجاهدان و پیشتاز سلحشوران اسلام، حضرت علی (ع)، توکل را رمز شیردلی رزمندگان جبهه حق دانسته است.^{۱۰} این مؤلفه، شکوه و جلالتی وصف ناشدنی به مقاومت رزمندگان دلیر اسلام می‌بخشید. ایستادگی عده کمی با ابزارهای ناچیز و مقاومت در برابر دشمن تا به دندان مسلح، بدون ایمان و توکل به خدا و عنایت او محال و غیر ممکن بود. توکل به حضرت حق و کسب مدد از او، شور و شوق مقاومت بر جان مجاهدان اسلام می‌افکند و شرنگ شکست و ناکامی را در کام کفار و دشمنان می‌ریخت.

جریان تاریخی «حمر الأسد»^{۱۱} نقش توکل بر خدا را در میان مجاهدان کاملاً روشن می‌سازد. در جنگ احد مسلمانان پس از به جای گذاشتن شهدای بسیار، با بدنهای زخمی

مراجعت نمودند ولی ابوسفیان در پی نابودی کامل مسلمانان بود. در نتیجه رسول اکرم (ص) از طرف خداوند مأمور شد به همراه همان مجروحان، دشمن را تعقیب نماید. با دستور رسول الله مجروحان از جمله دو برادر به سوی لشکر دشمن حرکت کردند. چون یکی از این دو برادر حال مساعدی نداشت، برادرش او را بر دوش کشید تا خود را به یاران پیامبر برسانند و به ندای رسول الله لبیک گویند. آری مجاهدان صدر اسلام، چنین مردانی الهی بودند که از بسترهای بیماری، با بدن آغشته به خون راهی میدان جنگ می شدند تا دین خدا و رهبرشان را یاری کنند.^{۱۲} این مجروحان در حالی به ندای رهبر خود لبیک گفتند که منافقان شیطان صفت آنان را از مقابله با لشکریان ابوسفیان می ترساندند؛ ولی این مجاهدان نستوه چنان توکلی بر خدا داشتند که نه تنها وسوسه‌ها خللی در اراده آنها ایجاد نکرد، بلکه بر ایمانشان افزود و در پاسخ شیطنت منافقان، پاسخ دندان شکن «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» دادند؛ یعنی ما فقط به خدا وابسته و دل بسته ایم و او بر ایمان کافی است.^{۱۳} اوج ایمان و توکل این عزیزان چنان وحشتی در سپاه ابوسفیان انداخت که از ترس فرار را بر قرار ترجیح دادند و دین اسلام و مسلمانان از خطری بزرگ ایمن ماندند.

۳-۱. اخلاص

اخلاص مهمترین رکن در نیت و عمل است. اخلاص یعنی پیراستن نیت و قصد از هر چیز غیر خدایی؛ یعنی کار را برای خدا انجام دادن. از این جهت است که اخلاص را روح و باطن عمل متعبدانه، و از عوامل اصلی تشکیل شخصیت معنوی انسان و منشأ توفیقات بسیار در کارهای بزرگ دانسته‌اند.^{۱۴}

در فرهنگ قرآن، اعمال شایسته پاداش اخروی با معیار خلوص نیت ارزش گذاری می شوند، زیرا عروج عمل صالح به سوی خدا^{۱۵} تنها به مدد اخلاص میسر است و خداوند متعال تنها عمل مخلصانه بندگان را می پسندد و می پذیرد.^{۱۶}

مجاهدان صدر اسلام به این ویژگی ارزشمند آراسته بودند. دفاع و جهاد آنها هم از آن جهت مورد تمجید و تحسین است که «فی سبیل الله» و تنها برای رضای خدای بود.^{۱۷} مجاهدان مخلص نه منتظر تشویق بوده و نه از نکوهش و سرزنش واهمه داشتند. اخلاص مجاهدان زمینه امدادهای الهی را آماده می کرد و رحمت و برکات خداوندی را برای آنها به ارمغان می آورد.^{۱۸}



خاطر نشان می شود رفتار و گفتار رسول الله (ص) در آراستگی مجاهدان به این صفت الهی بسیار مؤثر بود. پیامبر (ص) پیوسته به مسلمانان یاد آور می شد که مبادا در جنگها جز رضای خداوند را طلب کنند. رزمندگان اسلام نیز با الهام از این سفارشات تعالی بخش، جان خویش را در طبق اخلاص نهاده، تقدیم پیشگاه حق می کردند.

تبلور اخلاص در رفتار حضرت علی (ع):

در نبرد احزاب وقتی محاصره طولانی شد، عمرو بن عبدود، جنگجوی عرب که با هزار سوار برابری می کرد با تنی چند از جنگجویان، از خندق عبور کرد و در مقابل نیروهای اسلام ایستاد و رجز خواند. برخی از ترس نفسهایشان در سینه حبس شده بود. در این هنگام امیر مؤمنان علی (ع) برخاست و با اجازه رسول خدا (ص) به میدان شتافت.

پیامبر اکرم (ص) برای پیروزی آن حضرت دعا کرد. علی (ع) با حریف (عمرو) به نبرد پرداخت و او را به خاک افکند و برای اینکه سر او را از تنش جدا کند روی سینه اش نشست. عمرو به حضرت ناسزا گفت. آن حضرت از روی سینه او برخاست و او را به حال خود گذاشت، پس از چند لحظه که خشمش فرونشست، بازگشت و کار عمرو را یکسره کرد. از آن حضرت سؤال شد که چرا پس از دست یافتن بر حریف از روی سینه اش برخاستی؟ امام علی (ع) فرمود: «او به من ناسزا گفت. من از این کارش خشمناک شدم و ترسیدم اگر او را در این حالت بکشم، برای انتقام گرفتن و خوشنودی دل خود او را کشته باشم. پس صبر کردم تا خشمم فرونشست. آن گاه او را فقط برای رضای خدا کشتم.»^{۱۹}

۲. ویژگیهای اخلاقی مجاهدان صدر اسلام

۱- ۲. شهادت طلبی

شهادت طلبی از عوامل پیروزی آفرین و از امتیازهای سپاه اسلام در برابر جبهه کفر می باشد. رزمندگان اسلام با تکیه بر این عامل همواره پیروزیهای بزرگی را برای جبهه حق به ارمغان می آوردند؛ چرا که در این سوی جبهه مجاهدانی بودند که کشته شدن در میدان جنگ را حیات و افتخار دانسته و در آن سوی جبهه مهاجمانی که از مرگ گریزان و آن را هلاکت و بیهوده می دیدند. نتیجه چنین نگرشی برای جبهه حق، ارتقاء انگیزه و اشتیاق، و برای جبهه باطل بی رغبتی و بی انگیزگی بود.

قرآن کریم شهادت را زندگی حقیقی و شهیدان را زندگان جاوید معرفی می کند و شهادت طلبی را به عنوان یک ارزش متعالی می ستاید. از نظر قرآن کریم شهادت و کشته شدن



در راه خدا، عین حیات و برخورداری از رزق و نعمتهای خاص الهی است و کسی که در راه خدا به شهادت برسد، مقامی منیع و درجه‌ای رفیع یافته است.^{۲۰}

از خصیصه‌های بارز مجاهدان صدر اسلام، عشق به شهادت بود: به هنگام جنگ بدر شهادت‌طلبی در میان لشکر اسلام موج می‌زد و در این راه بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند؛ به گونه‌ای که پدر و پسر برای عزیمت به جبهه و نیل به مقام والای شهادت قرعه انداختند؛ چراکه هیچ یک مایل نبودند در مدینه بمانند و از فیض شهادت بازمانند.^{۲۱}

این روح شهادت‌طلبی است که شهید را به شهادت تشویق می‌کند و همهٔ اعجاز معنوی از این روحیه بلند و اندیشه خداپاوار مردان فداکار و عاشق می‌تراود. رسول خدا(ص) پیش از نبرد بدر وقتی متوجه شد نوجوانانی - به عشق شهادت در راه خدا - با رزمندگان اسلام همراه گشتند، آنها را به واسطه سن کم و توانایی اندکشان بازگرداند. در میان آنها نوجوان شانزده ساله‌ای به نام عمیر ابن ابی وقاص بود. وقتی چنین دید خود را از دید پیامبر مخفی کرد. برادرش به او گفت: چه می‌کنی؟ گفت: می‌ترسم رسول خدا مرا ببیند و به شهر بازگرداند؛ در صورتی که من دوست دارم همراه سپاه بیایم شاید خداوند شهادت را نصیبم گرداند. او سرانجام در غزوه بدر شرکت کرد و به آرزویش یعنی شهادت فی سبیل الله دست یافت.^{۲۲}

به هنگام نبرد احد پیرمردی به نام خَیْثَمَه، که فرزندش در بدر به شهادت رسیده بود، نزد رسول خدا آمد و گفت: ای رسول خدا(ص) سخت مشتاقم که در کنار فرزندم باشم، تقاضا دارم دعا فرمایی خداوند شهادت را نصیبم فرماید. پیامبر برای آن پیرمرد عارف دعا کرد و او در غزوهٔ احد به شهادت رسید.^{۲۳}

مجاهدان صدر اسلام نه تنها در میدان نبرد از مرگ نمی‌هراسیدند بلکه آرزو و دعا می‌کردند در راه خدا شهید شوند. در جنگ موته پس از شهادت زید بن حارثه و جعفر ابن ابی طالب، طبق دستور رسول الله(ص) عبدالله بن رواحه پرچم لشکر اسلام را در دست گرفت. وی به سوی دشمن حمله برد در حالی که چنین می‌گفت: ... ای نفس! اگر در راه خدا به شهادت نرسی، به یقین مرگ سراخ تو خواهد آمد. اگر راه آن دو (زید و جعفر) را ادامه دهی، هدایت می‌شوی و اگر در این راه کوتاهی کنی بدبخت خواهی شد.^{۲۴}

مالک اشتر، سردار شجاع سپاه حق - که همواره از خدا طلب شهادت می‌کرد - در نبرد با لشکر شام چنین رجز می‌خواند: «پروردگارا! شمشیرهای دشمن را برایم آماده کن و شهادت را به دست کفار نصیب فرما.»^{۲۵}

۲-۲. یاد خدا

ذکر و یاد خدای سبحان از بهترین و پاکیزه‌ترین اعمال نزد پروردگار و خصلت خوب مؤمنان و صالحان و نشان همنشینی با محبوب واقعی بوده و مایه شرافت و رستگاری انسان می‌باشد. به فرموده قرآن یاد خدا مؤمن را همواره در اوج و تعالی نگه داشته و در سختی‌ها، آرامش و قوت قلب می‌بخشد.^{۲۶}

یاد خدا در دل و جان مجاهدان صدر اسلام جاری بود و زرق و برق زندگی دنیا هرگز ایشان را از یاد خدا باز نمی‌داشت. این مؤلفه و ویژگی برای مجاهدان فی سبیل الله در میدان نبرد بسیار کارساز بود؛ چراکه جهاد و دفاع آرامش و قوت قلب بسیار می‌طلبد. خداوند متعال نیز رزمندگان اسلام را توصیه می‌کند به هنگام برخورد با دشمن، خدا را بسیار یاد کنند تا پیروز و رستگار شوند.^{۲۷}

مجاهدان صدر اسلام با زنده نگاه داشتن یاد خدا در دل‌هایشان و مداومت بر آن، بر قوت و قدرت روحی و معنوی خویش می‌افزودند. بی‌گمان اگر روح و جان آنها با یاد و نام خدا لبریز نمی‌شد، از عهده آن امتحانهای سخت و مشکل پیروز بر نمی‌آمدند.

هنگام پیکار دو سپاه ایمان و کفر، آنچه مسلمانان مجاهد را در برابر کافران برتری می‌بخشید، ایمان خالص و یاد خدا بود که به صورت ذکرهای متعددی مانند الله اکبر و لا اله الا الله ابراز می‌گشت. وقتی این اذکار در فضای عطر آگین جبهه می‌پیچید، پتک نابودی بر فرق دشمن کوبیده می‌شد و آنها را به خاک مذلت می‌نشانید.

۳-۲. صبر

صبر خصلتی است که با سرنوشت ایمان انسان گره خورده است و از پایه‌های ایمان می‌باشد.^{۲۸} امام صادق(ع) صبر در ایمان را به منزله سر در بدن می‌داند^{۲۹} و پیامبر اکرم(ص) صبر را نصف ایمان برمی‌شمارد.^{۳۰} خداوند متعال در کتاب وحی مؤمنان را به صبر و پایداری فراخوانده^{۳۱} و آن را از عوامل پیروزی آفرین برمی‌شمارد.^{۳۲}

رزم‌آوران صدر اسلام کامل‌ترین مصداق صابران هستند که خداوند متعال از آنها با عنوان «راست پیشگان و پرهیزکاران» یاد می‌کند.^{۳۳}

پیش از هجرت دشمنان اسلام برای نابودی دین اسلام از هیچ کوششی دریغ نورزیدند، از استهزاء و تکذیب و زخم زبان گرفته تا تهدید و آزار و اذیت و دیگر ناملایمات؛ اما

مجاهدان راستین با اقتدا به پیامبر عظیم الشان اسلام، هر یک چون کوهی استوار پایدار ماندند و نقشه‌های شوم دشمنان را نقش بر آب ساختند.

پس از هجرت نیز مسلمانان صبر و پایداری را پیشه خود ساختند. جنگ خندق، همزمان با فصل سرما و کمبود مواد غذایی در مدینه بود، رزمندگان پوشاک و خوراک مناسب نداشتند و رسیدن کمک از خارج شهر نیز میسر نبود. در چنین شرایط دشواری مسلمانان طریق صبر را پیش گرفتند و با پایداری خویش پیروزی بزرگی را برای لشکر اسلام رقم زدند.

۲-۲. شجاعت و دلاوری

از اوصافی که قرآن کریم مجاهدان و رزمندگان صدر اسلام را بدان می‌ستاید، شجاعت و دلاوری است.^{۳۴} قرآن کریم در آیاتی (توبه: ۲۴، حجرات: ۱۵) به مبارزه با عوامل سستی آور پرداخته و خوی شجاعت و فداکاری در راه خدا را در ژرفای جان مجاهدان مسلمان رسوخ می‌دهد.^{۳۵}

رزمندگان صدر اسلام بدون هراس از سلاح و تجهیزات دشمن و شمار زیاد نیروهای آنها، با توکل به خدا و با نقشه حساب شده بر لشکر دشمن یورش می‌بردند و بی‌هیچ پروایی به استقبال از خطرهای بی‌شمار نبرد می‌رفتند.^{۳۶} بر همین اساس شجاعت و قوت رزمندگان اسلام، که از ایمان راسخ آنها سرچشمه می‌گرفت، از عوامل پیروزی سپاه اسلام محسوب می‌شد. شجاعت و دلاوری سبب تقویت روحیه مجاهدان، و تقویت روحیه سبب شکست‌ناپذیری آنها در مبارزه با سختی‌ها و تحمل دشواریها می‌گشت. آنان در نبردها با عزمی راسخ و شجاعتی بی‌نظیر می‌جنگیدند؛ چراکه راه خود را منتهی به یکی از دو هدف پیروزی یا شهادت می‌دیدند. این اهداف که قرآن از آن با عنوان «إحدى الحُسَین» یاد می‌کند^{۳۷} هر دو برای آنها نیک و سعادت‌آفرین بود.

هدف همه مسلمانان در آن دوره، اعتلای کلمه الله و تلاش برای ماندگاری اسلام و برافراشتن پرچم صلح و عدالت میان همه انسانها بود. اینها هدفهایی بودند که مسلمانان به آن ایمان کامل داشتند و برای تحقق آنها بدون هراس و وا همه از چیزی، شجاعانه و با تمام توان خویش به مبارزه می‌پرداختند.

۲-۳. ایثار و فداکاری

ایثار از ارزشهای متعالی اسلامی و به معنای از خود گذشتن و دیگران را بر خود ترجیح دادن است. مراد از ایثار و فداکاری این است که انسان از آنچه خود به آن نیاز دارد،

جوانمردانه بگذرد و به نیازمندان بدهد. از آنجا که انسان طبعاً موجودی خودمحور است، این کار بسیار مشکل است و لیکن میوه شیرینی دارد که حلاوت آن را تنها مردان ایثارگر و فداکار می‌چشند و می‌فهمند.^{۳۸}

خداوند سبحان در قرآن کریم، ایثار و از خود گذشتگی مؤمنان را در راه پاسداری از دین خود می‌ستاید و برترین توصیفها و پاداشها را برای آنان قرار می‌دهد.^{۳۹}

رزمندگان سلحشور و درس آموختگان مکتب وحی با تاسی به سیره رسول الله (ص) - به عنوان اسوه حسنه - در معامله با پروردگار خود جلوه‌های زیبایی از ایثار، از خود گذشتگی و پیشگامی در جانفشانی و تحمل شدائد را آفریدند و در صفحات زرین تاریخ اسلام به یادگار گذاشتند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

ایثار و از جان گذشتگی حضرت علی (ع)، بزرگ ایثارگر تاریخ، در «لیلة المبيت»^{۴۰} برجسته‌ترین جلوه تجلی این ارزش اسلامی در صدر اسلام است. مولای متقیان علی (ع) برای نجات جان امام خویش، جان خود را در معرض تهدید بزرگ کفار قرار داد و در حالی در بستر پیامبر خوابید که چهل نفر از کفار با شمشیرهای آخته در انتظار حمله به پیامبر کمین کرده بودند.

ایثار و فداکاری مجاهدان صدر اسلام همواره ایثار جان نبود. آنها علاوه بر جان خویش، مال خویش را نیز در راه اسلام بخشیدند. به هنگام هجرت مهاجران از مکه به مدینه این حقیقت جلوه آشکاری داشت؛ آن هنگام که انصار عاشقانه آغوش بر مهاجران گشودند و با آنکه بسیاری از آنها، خود نیازمند بودند، خانه و کاشانه و اموال خویش را با مهاجران قسمت کردند. قرآن کریم در آیاتی این ایثار و فداکاری انصار را می‌ستاید.^{۴۱} مهاجران نیز ایثارگرانی بودند که تمام زندگی خود را در مکه به جا گذاشتند و به مدینه آمدند. برخی از آنها در عهد جاهلیت از ثروتمندان مکه بودند ولی با قبول اسلام همه مالشان را از دست داده بودند.

- با انعقاد پیمان اخوت در مدینه، عبدالرحمان بن عوف با سعد بن ربیع پیمان برادری بست. سعد (که از انصار و ساکن مدینه بود) تمام مالش را با عبدالرحمان بن عوف تقسیم کرد و حتی یک زنش را نیز طلاق داد و به ازدواج عبدالرحمان درآورد.^{۴۲} چنین صحنه‌های باشکوهی تنها در تاریخ درخشان صدر اسلام و در گفتار و کردار مجاهدان مسلمان ایثارگر بروز یافته است. در جنگ تبوک وقتی مسلمانان با کمکهای مالی خود به

تجهیز سپاه اسلام در برابر رومیان می پرداختند، برخی از تهیدستان نیز با آنکه زاد و توشه و مرکب کافی در اختیار نداشتند با کار کردن کمک کردند تا در این کار خیر سهیم باشند.^{۴۳} در «غزوة ذی قرد»^{۴۴} سعد بن عبادہ با آنکه از جانب رسول اللہ مأمور شده بود جهت حفاظت از مدینه در شهر بماند، باز هم پنج بار شتر و ده رأس شتر به لشکر اسلام بخشید. وقتی رسول خدا(ص) متوجه شد رو به قیس بن سعد کرد و فرمود: ای قیس! پدرت تو را سواره به جبهه اعزام کرد و با ارسال مواد غذایی مجاهدان را تقویت نمود. خود نیز مدینه را از تعرض دشمن حفظ کرد، خدا یا سعد و آل سعد را رحمت نما.^{۴۵}

۶-۲. عزت و کرامت

از ارزشهای مهم اخلاقی؛ و به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری، محور اخلاق اسلامی^{۴۶}، عزت و کرامت نفس است. عزت به معنای شرافت، از سرمایه های ارزشمند انسان مؤمن است؛ چرا که قرآن مجید آن را منحصر در خدا، پیامبر و مؤمنان کرده است.^{۴۷} احساس عزت و سربلندی و بزرگواری روح، آدمی را به فضیلت سوق داده، از پستی ها و رذیلتها برکنار می دارد.^{۴۸} مهمترین راه دریافت عزت، اطاعت از خداوند عزیز است؛ چراکه هر چه انسان به منبع عزت نزدیکتر شود، عزتش افزون می گردد. پیکار در راه خدا نیز عزت آفرین است. به فرموده پیامبر(ص) مجاهد هم خود به قلعه سرافرازی و عظمت صعود می کند و هم راه مجد و بزرگواری را برای آیندگان هموار می سازد.^{۴۹} امام مجاهدان، حضرت علی(ع) نیز آن گاه که از منزلت و جایگاه رفیع جهاد سخن می گوید، فلسفه و جوب آن را عزت و ارجمندی اسلام، و رویگردانی از آن را مایه ذلت و خواری اسلام می داند.

مجاهدان صدر اسلام که عزت و سرافرازی اسلام را در جهاد جستجو می کردند، لحظه ای نیاوردند و در این راه رشادهایی از خود بروز دادند که قلمها از بیان آن عاجزند. در نبرد موته، وقتی برخی از مسلمانان از اعزام لشکر قدرتمند و پرتوان رومیان با خبر شدند، نسبت به ادامه مسیر دچار تردید گردیدند. در این هنگام عبدالله بن رواحه که فرمانده دوم سپاه اسلام بود، با سخنانی عزت اسلام را به آنان یاد آور شد و آنان را به ایستادگی و مقاومت و دفاع از اسلام عزیز فراخواند: «ای مسلمانان! به خدا سوگند ما هرگز با تکیه بر افزونی نیرو و بسیاری تجهیزات جنگ نکرده ایم بلکه با اعتماد به اسلام، که به ما عزت بخشیده است، جنگیده ایم؛ اکنون نیز آماده شوید و به دشمن بتازید.»^{۵۰}

۷-۲. بی رغبتی به دنیا

یکی از مباحث عمده و راهبردی اسلام، که در قرآن کریم و سیره معصومین مورد توجه و اهتمام قرار گرفته، بی مقداری و بی وزنی دنیا در برابر آخرت است. از دنیا با عنوان متاع قلیل یاد شده^{۵۱} که اسباب آزمایش و امتحان بشر قرار داده شده است.^{۵۲} از نظر قرآن دنیا دوستی و دل خوش کردن به حیات دنیا، شوق جهاد و دفاع را در دل می میراند^{۵۳} و عامل شکست خواهد بود.^{۵۴} در مقابل بی اعتنایی به دنیا و فریفته نشدن به جلوه های زودگذر آن از عوامل پیروزی در صحنه نبرد است. آن کس که دل به محبت دنیا و زخارف آن نسپرد، به گناه نبرد، سبکبال و مشتاق لباس رزم می پوشد و به آسانی از تعلقات دنیایی دل می کند.

از ویژگی های مجاهدان راستین صدر اسلام کوچک شمردن و بی اعتنایی به دنیا و دل بریدن از مظاهر فریبنده آن بود. حنظله جوانی تازه داماد بود. شبی که عروس به خانه آورد کوس جنگ احد نواخته شد. او که عاشق جهاد و شهادت بود، همسر جوان خود را همراه تمام لذتهای زندگی در خانه گذاشت و با رسول خدا(ص) عازم جهاد با لشکر کفر شد. حنظله که مشتاقانه به جنگ آمده بود، برای اینکه از لشکر اسلام عقب نیفتد فرصت غسل جنابت نیافته بود. پس از شهادتش رسول خدا(ص) فرمود: حنظله را ملائکه غسل دادند؛ از این رو به حنظله غَسِيلُ الْمَلَائِكَةِ شهرت یافت.^{۵۵} جالب است بدانید هم پدر حنظله (ابوعامر) مشرک و فاسق بود و هم پدر همسر حنظله (عبدالله ابن ابی)، که سرکرده منافقان بود. لیکن این مسلمانان راستین، جهت اعتلای کلمه الله روی در روی پدرانشان ایستادند و راه حقیقت و رستگاری در پیش گرفتند. گفتنی است که فرزند این شهید بزرگوار نیز بعدها از سرداران رشید اسلام گشت.

در صحنه کربلا نیز گروهی نتوانستند از دنیا و مظاهرش دل بکنند، اما یاران حسین بن علی(ع) بر دنیا و همه زیباییهای فریبنده اش چشم بستند و بندگی حق تعالی و عشق و سرسپردگی به امام خویش را بر تعلقات دنیوی ترجیح دادند تا همان گونه که در بسیاری از ارزشهای الهی مصداق و نمونه شدند، در مورد بی اعتنایی به دنیا و زخارف آن نیز الگویی شایسته باشند.

۸-۲. مقاومت و ایستادگی

رزمندگان و پاسداران مسلمان هیچ گاه نباید مرعوب قدرت و شوکت ظاهری دشمنان شوند؛ نباید از عده و عده دشمن بهراسند؛ باید گوش به وعده های الهی سپرده و راه

مقاومت و مجاهدت در پیش گیرند. این مهم در منابع دینی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.^{۵۶}

از دیگر جلوه‌های ارزشمند سپاه اسلام، تبلور فرهنگ مقاومت و ایستادگی در اعماق مجاهدان مسلمان بود که به واسطه بهره‌مندی از این ویژگی صحنه‌های زیبا و پرشوری را خلق کردند و بر سختی‌ها فائق آمدند. رزمندگان اسلام هرگاه احساس می‌کردند گاه مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن است دریغ نمی‌ورزیدند.

این ویژگی در دوران پیش از هجرت جلوه بیشتری داشت. در آن دوران به واسطه فشار فراوان مشرکان و کفار، مسلمانان در سخت‌ترین شرایط بودند و ایمان و استقامت جانانه آنها باعث ماندگاری دین اسلام شدند. برخی، از مسلمانان در این دوران، تمام زندگی و خانه و کاشانه خود را رها کرده و به حبشه مهاجرت نمودند و برخی از آنها نیز در زیر شکنجه‌های کفار و مشرکان جان به جان آفرین تسلیم کرده و شربت شهادت نوشیدند. خانواده عتار یاسر از جمله کسانی بودند که تا آخرین لحظات عمرشان بر سر عقیده‌شان ایستادند و به عنوان اولین شهدای اسلام نامشان را برای همیشه در تاریخ جاودانه ساختند. خانواده یاسر خانواده استقامت و پایداری بود. پیامبر به آنان فرمود: «خاندان یاسر! پایداری کنید. جایگاهتان بهشت است.»^{۵۷}

ایستادگی و مقاومت مسلمانان پس از هجرت نیز - به ویژه در عرصه‌های نبرد حق علیه باطل - تداوم داشت. به هنگام نبرد احد، پس از سقوط تنگه و حمله دشمن، بسیاری از لشکریان اسلام پا به فرار نهادند؛ اما برخی از مجاهدان راستین همانند حضرت امیر(ع) و ابودجانه انصاری، مردانه در میدان کارزار باقی ماندند و در دفاع از جان مقدس رسول الله(ص) فداکاری و استقامت شایانی از خود نشان دادند. در اوج نبرد، وقتی پیامبر مجروح شد و خون بر چهره مبارکش جاری شد، ابودجانه تن خود را سپر باران تیرهایی ساخت که وجود پیامبر را نشانه رفته بودند.^{۵۸}

۳. ویژگیهای عبادی مجاهدان صدر اسلام

۱- ۳. اهتمام به نماز

نماز در میان عبادتها، از مهم‌ترین عبادات است و اهمیت و جایگاه بلند آن در دین اسلام بر هیچ کس پوشیده نیست. در روایات اهل بیت(ع) از آن به عنوان رأس اسلام،^{۵۹} ستون خیمه دین و موجب تقرب اهل تقوا به خداوند^{۶۰} یاد شده است. نماز با روح، برترین یاد خدا^{۶۱}

و عامل برقراری ارتباط با ذات اقدس الهی است؛ سدی است در برابر گناهان و وسیله شستشوی سینهات و غفران و آمرزش الهی. خودبینی و غرور را در انسان می‌شکند و با یادآوری مرگ و قیامت او را از عصیان و گناه بازمی‌دارد.^{۶۲}

خداوند از مؤمنان می‌خواهد به گاه سختی‌ها در کنار استقامت و پایداری، از نماز استعانت جویند.^{۶۳} مجاهدان صدر اسلام این فرمان الهی را به شایستگی عمل کردند. آنها در سختی‌های نبرد به نماز پناه می‌بردند و بارکوع و سجود خالصانه و خاشعانه، روح خویش را صلابت و استواری می‌بخشیدند.

به هنگام بازگشت از غزوه ذات الرقاع^{۶۴} پیامبر دو سرباز به نامهای «عباد» و «عمار» را مأمور حفاظت از دهانه دژه‌ای کرد که مسلمانان در آن استراحت می‌کردند. عباد از تاریکی شب استفاده کرد و مشغول نماز و راز و نیاز با خدای خود شد. در این هنگام مردی از قبیله غطفان که در تعقیب مسلمانان بود، از نقطه مخفی تیری بر پای عباد زد. عباد به قدری غرق مناجات با خدا بود که سوزش تیر را کمتر احساس کرد و تیر را از پای خود درآورد و به نمازش ادامه داد. ولی مرد غطفانی تا چند بار به تیراندازی ادامه داد و عباد مجبور شد نمازش را پایان برساند و عتار را بیدار کند. منظره رقت‌بار عباد، عمار را منقلب کرد و بالحن اعتراض گفت: چرا در آغاز کار بیدارم نکردی؟ نگهبان زخمی در پاسخ گفت: «من در حال مناجات با پروردگار خود بودم و سوره‌ای از قرآن را می‌خواندم که ناگهان تیر اول اصابت کرد. لذت مناجات و شیرینی آن، مانع از آن شد که نمازم را قطع کنم. اگر پیامبر حفاظت این نقطه را بر عهده من نگذاشته بود، هرگز نماز و سوره‌ای را که می‌خواندم قطع نمی‌کردم و جان خود را در طریق مناجات با خدا از دست می‌دادم پیش از آنکه آهنگ بریدن نماز کنم.»^{۶۵}

۲- ۳. دعا و نیایش

دعا و نیایش از ضروریات آیین اسلام و رکنی از ارکان به هم پیوسته نظام توحیدی است؛ عبادتی ارزنده و شورآفرین که همانند نماز و قرآن، دل مرده و بی‌روح را زنده و آباد می‌کند؛^{۶۶} از الطاف بی‌کران الهی نسبت به مخلوقات و بار عامی است که هر موجودی در هر موقعیتی می‌تواند خدای خویش را به هر زبانی بخواند و خداوند هم ندایش را پذیرا باشد.^{۶۷} جهاد در راه خدا از مواردی است که ارتباط تنگاتنگ مجاهد با خدای متعال را می‌طلبد؛ کانال این ارتباط نیایش است. چرا که دعا و نیایش بیدارکننده روح خروش و عصیان در برابر ظلم و جور و ایجادکننده شجاعت توکل به مبدأ قدرت است.^{۶۸}

مجاهدان فی سبیل اللہ آن گاه که در برابر دشمن قرار می گرفتند خاضعانه دست به دعا برمی داشتند و طبق فرموده قرآن^{۶۹} از خداوند متعال، پایداری، ثبات قدم، روحیه و پیروزی می طلبیدند. در نبرد بدر وقتی رزمندگان اسلام دشمن را به لحاظ نیرو و ادوات رزمی از خود قویتر دیدند، گردهم جمع شده، مشغول نیایش شدند و گفتند: پروردگارا! ما را بر دشمنان خود پیروزی ده. خداوند نیز آنها را یاری بخشید.^{۷۰}

مجاهدان مسلمان با دعا روح خود را شاداب ساخته و با استغاثه به درگاه الهی از امدادهای غیبی خداوند بهره مند می شدند. با مروری گذرا به جنگهای صدر اسلام این موضوع روشن می گردد. رسول اکرم (ص) نیز صحنه های زیبای جهاد در راه خدا را با نیایش مخلصانه خویش مزین می کرد و احساسات پر ارج خداجویی را با زبان دعا بیان می فرمود.^{۷۱}

۳-۳. انس با قرآن

قرآن کتاب خدا و پیام او برای خدایی شدن انسانهاست. قرآن نور است؛ چراغ هدایتگر انسانها در ظلمت دنیا؛ نسخه شفابخش حکیم بی همتا برای بشریت. سراسر قرآن ذکر خداست و تلاوت و تدبر در آن انسان را به یاد خدا می اندازد.

انس رزمندگان اسلام با قرآن کریم از مصادیق یاد خدا به گاه رزم و نبرد بود. آنها با تلاوت قرآن، جان تشنه خود را از یاد خدا لبریز می ساختند و خلعت لطافت و سبکبالی بر قامت روح خویش می پوشاندند. این فرزندگان بی نظیر با تلاوت قرآن با خدا راز و نیاز می کردند و با عمل به دستورات آن، سرافرازی دنیا و آخرت را برای خویش رقم می زدند.

۴. ویژگیهای نظامی مجاهدان صدر اسلام

۱-۲. نظم و انضباط

نظم، هماهنگی و انضباط پایه نظامیگری و به منزله روح و جان سپاه است؛ تاجایی که هیچ لشکری، هر چند برخوردار از نیرو و تجهیزات فراوان، بدون انضباط کامل پیروز نمی شود.^{۷۲} دین اسلام از مجاهدان می خواهد که در مواضع خود ثابت و استوار بمانند و ضمن اطاعت کامل از دستورات فرماندهی، از بی نظمی و نزاع پرهیزند.^{۷۳}

تاریخ اسلام نشان می دهد که در جنگهای صدر اسلام، مجاهدان مسلمان با نظم و انضباط کامل حضور یافته و با ایمان و اعتقادی که به هدف و راه خویش داشتند، پیروزی را از آن خود می ساختند. رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) در جنگها، افراد لایق را به

فرماندهی برمی گزیدند و مسائل امنیتی، استقرار، سازماندهی، آرایش نیرو و... را از نظر دور نمی داشتند، دستورات خود را پیگیری کرده و در صورت تخلف متخلفان را بازخواست می کردند و در صورت ضرورت مراسم رژه برپا می کردند. همه اینها با نظم و انضباط خاصی صورت می گرفت. چنان که پیش از درگیری در میدان احد، رسول خدا (ص) شخصاً مشغول تنظیم صفوف رزمندگان اسلام شد.^{۷۴}

سپاه اسلام با وجود آنکه از قبیله های گوناگون شکل گرفته بود، تشکیلات بسیار منظمی داشت. هر قبیله فرمانده جداگانه ای داشت و همه فرماندهان زیر نظر فرماندهی کل (که بر عهده شخص رسول الله (ص) بود) انجام وظیفه می کردند. انسجام سپاه اسلام به واسطه رعایت نظم و انضباط نظامی و اطاعت از فرماندهی بود که همانند رشته ای مسلمانان را به هم پیوند می داد.

۲-۴. اطاعت پذیری

اطاعت و فرمانبرداری از فرماندهی و دستور مافوق و سرپیچی نکردن از آن، یکی از امور حیاتی و از وظایف نیروهای مسلح به شمار می آید. این موضوع در منابع اسلامی مورد تأکید و اهتمام قرار گرفته است.^{۷۵} البته این اطاعت پذیری دارای حدود و ثغوری است و نباید به نافرمانی خدا و مخالفت با دستورات مسلم شرع منتهی شود. این مؤلفه نقش بسیار مهمی در پیروزی و شکست دارد. محترم شمردن دستورات مافوق و اجتناب از خودرأیی و احساسات نابه جا ضامن موفقیت و پیروزی است و مجاهدان راستین و حقیقی صدر اسلام به این زیور آراسته بودند؛ به گونه ای که فرمانبرداری آنها از دستورات رسول الله نمونه بارز و عالی تبعیت از مقام فرماندهی بود. آنان با اشتیاق کامل و خلوص شگفت انگیز و شوق و طیب خاطر بسیار، در اجرای فرمانهای فرمانده خود می کوشیدند^{۷۶} و لشکری به معنای واقعی کلمه «اطاعت پذیر» بودند.

به هنگام نبرد بدر، عده ای از صحابه را رعب و وحشت فرا گرفت؛ چراکه آنان قریش را شکست ناپذیر می انگاشتند. مقداد مجاهد راستین، با مشاهده این وضع به پا خاست و با سخنان گرم و آتشین خود، روحیه متزلزل مسلمانان را ثبات بخشید. وی خطاب به رسول خدا (ص) چنین گفت: «... ای رسول خدا! ... سوگند به خدایی که تو را به حق برانگیخت، اگر فرمان دهی به میان آتش رویم، یا خود را بر خار مغیلان افکنیم، فرمانت را به جان و دل پذیراییم. ما هرگز سخنی را که بنی اسرائیل به موسی گفتند به شما نمی گوئیم ... به کمک پروردگارت جنگ کن ما نیز همراهت می جنگیم!»^{۷۷}

سعد بن معاذ (رئیس قبیله اوس) هم رو به پیامبر چنین گفت: «به خدایی که تو را به حق به پیامبری مبعوث کرده است، اگر بخواهی ما را به دریا بریزی و خود پیشرو ما باشی همراه تو به دریا می‌رویم و یک تن از ما سرپیچی نمی‌کند.»^{۷۸}

۳-۴. حفاظت اطلاعات

یکی از عوامل مهم و عمده برای نیل به پیروزی در نبردها، گردآوری اطلاعات از نیروها و اهداف نظامی دشمن و حفاظت این اطلاعات است. اسلام افشای اسرار نظامی را منع کرده و آن را نشانه نفاق می‌داند؛ همچنین از مسلمانان خواسته شده است اطلاعاتی را که ایمنی و سلامت مؤمنان در گرو آن است، پنهان دارند و افشا نسازند.^{۷۹}

اطلاعات و حفاظت آن در برنامه‌ریزی صحیح و غافلگیری دشمن بسیار مؤثر بوده و جنگهای صدر اسلام این حقیقت را روشن ساخته است. مجاهدان صدر اسلام به صورت نفوذی، گشت و دیده‌بانی اطلاعات لازم را از منابع مختلف گرفته و گزارش می‌دادند. عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر، عامل نفوذی رسول خدا (ص) در قلب حکومت مشرکین (مکه) بود و همو بود که خبر حرکت مشرکان و میزان تجهیزات و توان رزمی دشمن را پیش از غزوة احد به اطلاع رسول الله (ص) رساند و باعث شد لشکر اسلام غافلگیر نشود.^{۸۰} در واقع عباس با اطلاع‌رسانی به موقع امتیاز غافلگیری را از دشمن گرفت.

۴-۴. آمادگی رزمی

قرآن با فرمان جهاد^{۸۱} مسأله آمادگی رزمی و فراهم ساختن تجهیزات جنگی را مطرح می‌سازد^{۸۲} رسول خدا (ص) به آموزش و تمرینهای رزمی مورد نیاز رزمندگان اسلام بسیار اهمیت می‌داد و آنها را به این کار تشویق می‌کرد.^{۸۳} تیراندازی و اسب‌سواری و شنا و فراگیری آن مورد تأکید رسول الله بود. مجاهدان صدر اسلام با تیراندازی، سوارکاری و سایر تمرینات نظامی، آمادگی بدنی خود را برای مقاومت و ایستادگی در شرایط دشوار احتمالی حفظ می‌کردند. تشکیلات تاکتیکی مناسب در نبردها باعث می‌شد پشتیبانی لازم در تأمین نیروها به عمل آید و دشمن را از غافلگیری محروم سازند.

جنگ تبوک شاید بارزترین جلوه آمادگی بدنی و توان رزمی مجاهدان مسلمان بود. مشکلاتی که سپاه اسلام تحمل کردند، بسیار بود. رزمندگان اسلام مدینه را در فصل رسیدن میوه‌ها ترک گفتند؛ در شدت گرمای تابستان، مسافتی دراز و پر مشقت را در صحرای شبه جزیره عربستان پیمودند و برای زمانی دراز تشنگی را تحمل کردند.

۵-۴. شوق جهاد

جهاد یا مجاهده، بذل جهد و تلاش و به‌کارگیری همه توان در راه دفع دشمن است. مکتب حیاتبخش اسلام بر جهاد و مقاومت به عنوان چراغ رهگشای مظلومان تکیه کرده و آن را از تکالیف مهم مسلمانان در حراست از دین و کیان خویش می‌داند.

شوق جهاد فی سبیل الله از ارزشهای بلندی است که تنها مؤمنان حقیقی بدان آراسته‌اند. مؤمنان راستین بر خلاف عافیت‌جویان به ظاهر مؤمن، برای جهاد و دفاع در راه خدا اشتیاقی وافر دارند. خداوند متعال نیز آنها را پاداش بزرگ وعده داده است.^{۸۴} از ارزشهای اخلاقی که قرآن کریم برای مؤمنان برمی‌شمارد، شوق به جهاد در راه خداست. این روحیه و ویژگی چنان در میان مجاهدان صدر اسلام شایع بود که مؤمنانی که - در بعضی مواقع و به دلایلی - نمی‌توانستند در صحنه نبرد حضور یابند، سخت غمگین می‌شدند و به فرموده قرآن اشک از دیدگان‌شان جاری می‌شد.^{۸۵}

پیش از غزوه تبوک، گروهی از مؤمنان پاک دل به شوق شرکت در نبرد، نزد رسول خدا (ص) آمدند و چون فقیر بودند و مرکبی نداشتند، از حضرت خواستند تا برای آنان مرکبی تهیه نماید تا در این جهاد مقدس شرکت نمایند. وقتی رسول خدا (ص) پاسخ منفی به آنها داد این گروه از مشتاقان جهاد، از اینکه توفیق جهاد از آنها سلب شده، اشک حسرت ریخته و گریان و اسفناک از نزد رسول خدا بیرون آمدند. این گروه در تاریخ اسلام به بگائون مشهور شدند.^{۸۶}

پیش از نبرد احد نیز فردی به نام عمرو بن جموح که پایش لنگ بود، نزد رسول الله (ص) آمد و عرض کرد: «یا رسول الله (ص) پسرانم مرا به واسطه لنگ بودنم از رفتن به جنگ بازمی‌دارند به خدا سوگند من امید دارم با همین پای لنگ در بهشت قدم بزنم.»^{۸۷}

نتیجه

مجاهدان صدر اسلام بر اساس آموزه‌های قرآنی، ارتباط خود را با خداوند متعال نزدیک و استوار کرده بودند. این ارتباط که با یاد خدا - به وسیله نماز و انس با قرآن و دعا و راز و نیاز - و نیز اخلاص و رزی و توکل پدید می‌آمد، آرامش را برگستره جان‌شان چیره می‌ساخت و از امداد و نصرت الهی بهره‌مند می‌ساخت. همین ارتباط وثیق آنان را مشتاق دیدار دوست و نظر به «وجه الله» می‌کرد؛ اشتیاقی که آغازش بی‌اعتنایی به دنیا و سرانجامش شهادت‌طلبی بود.

رزمندگان دلیر اسلام از قرآن فرا گرفته بودند که به یکدیگر مهر و محبت ورزیده و اخوت و همدلی پیشه کنند. این محبت و عشق ژرف، ایثار و فداکاری را به دنبال داشت؛ ایثاری که از اندک اندوخته مالی تا گوهر نفیس جان را شامل می شد. آنها همچنین در برابر دشمن استوار بوده و صبر و استقامت را در اوج زیبایی به تصویر کشیدند؛ شجاعت و دلوری را بر قله بلند افتخار نشانند و عزت و کرامت را شکوهی سترگ بخشیدند.

این ویژگی‌های ممتاز، که از مجاهدان صدر اسلام سپاهی نیرومند و شکست‌ناپذیر پدید آورده بود، سبب شد آنان همچون ستارگانی پرفروغ در آسمان مکتب اسلام بدرخشند و همچنان پرتوافشانی نمایند. بر پاسداران عزیز و مجاهدان فی سبیل الله لازم است با آگاهی و شناخت ویژگی‌های ممتاز این مردان سلحشور، و تمسک و الهام‌پذیری از آنها، تداعی‌گر و احیاکننده این ارزشها و خصلتهای پیروزی‌آفرین باشند.

پی‌نوشتها:

۱. احزاب: ۲۳.
۲. حضرت امام خمینی می‌فرماید: «ذکر فداکاریها و مجاهدات مجاهدین صدر اسلام، نه تنها امروز بلکه تا ابد اسلام را زنده نگه می‌دارد.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۷۱)
۳. آل عمران: ۱۳۹.
۴. سخنرانی امام خمینی (ره)، مورخه ۱۳۵۹/۲/۲۵.
۵. نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۴۶.
۶. در زمینه غزوه «بنی‌مصطلق» ر.ک: جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۲-۱۶۵.
۷. محمود شیب خطاب، شیوه فرماندهی پیامبر (ص)، ترجمه عبدالحسین بی‌ش، قم: مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۶؛ سبحانی، پیشین، ص ۱۷۰.
۸. آل عمران: ۱۲۲ و ۱۶۰، توبه: ۵۱.
۹. مرتضی مطهری، بیست گفتار، تهران: صدرا، چاپ پنجم: ۱۳۵۸، ص ۱۳۷.
۱۰. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، تصحیح سید جلال‌الدین محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ص ۴۱۴.
۱۱. در این زمینه ر.ک: جعفر سبحانی، پیشین، ص ۷۸.
۱۲. همان، ص ۷۹.
۱۳. آل عمران: ۱۷۲.
۱۴. معنویت، اداره تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱.
۱۵. فاطر: ۳۵.
۱۶. علی تقی‌زاده اکبری، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ج ۲ (ارزشهای اسلامی)، قم: مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۶۶.

۱۷. نساء: ۹۵، توبه: ۲۰.
۱۸. صف: ۴۶. از رسول خدا (ص) روایت شده است که خداوند امت من را به واسطه ضعیفان و دعای آنان و اخلاص و نمازشان پیروز می‌گرداند. (غلامحسین فیض کاشانی، محجة البيضاء، ج ۸، ص ۲۵)
۱۹. طبرسی، اعلام الوری، بیروت: دار المعرفه، ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، ص ۱۹۵.
۲۰. ر.ک: بقره: ۱۵۴، نساء: ۷۴، آل عمران: ۱۶۹ و محمد: ۴۷.
۲۱. محمد بن عمر واقدی، مغازی، ج ۱، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱، ص ۱۵.
۲۲. همان، ص ۲۱.
۲۳. جعفر سبحانی، پیشین، ص ۳۰.
۲۴. ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۴، ص ۲۲.
۲۵. علامه امینی، الغدير، ج ۸، ص ۷۱.
۲۶. رعد: ۲۸.
۲۷. انفال: ۲۵.
۲۸. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه صبر را از پایه‌های ایمان و راز کامیابی و ظفرمندی انسان برمی‌شمارد. (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، حکمت ۱۵۳، ص ۳۹۰)
۲۹. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۱.
۳۰. محجة البيضاء، ج ۷، ص ۱۰۶.
۳۱. آل عمران: ۲۰۰، اعراف: ۸۷.
۳۲. انفال: ۶۵ و ۶۶.
۳۳. بقره: ۱۷۷.
۳۴. تقی‌زاده اکبری، پیشین، ص ۱۱۶.
۳۵. محمود شیب خطاب، پیشین، ص ۶۴.
۳۶. جنگ بدر نمونه‌ای بارز از این حقیقت است که مجاهدان مسلمان با شجاعت و دلوری خویش بر مشرکان غلبه کرده و افتخاری بزرگ آفریدند.
۳۷. توبه: ۵۲.
۳۸. ر.ک: معنویت، پیشین، ص ۲۲۹.
۳۹. ر.ک: حشر: ۹، آل عمران: ۱۴۶ و ۱۷۲، توبه: ۱۱۱.
۴۰. در این زمینه ر.ک: جعفر سبحانی، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۵.
۴۱. حشر: ۵۹.
۴۲. محمود شیب خطاب، پیشین، ص ۸۶.
۴۳. ابن هشام، سیرت رسول الله، ترجمه رفیع‌الدین اسحاق همدانی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۹۶۴.
۴۴. در این زمینه ر.ک: جعفر سبحانی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۳.
۴۵. محمد بن عمر بن واقدی، کتاب المغازی، الجزء الثاني، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ص ۵۴۷.
۴۶. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، تهران: صدرا، ۱۳۶۶، ص ۱۴۷.
۴۷. منافقون: ۸.
۴۸. تقی‌زاده اکبری، پیشین، ص ۱۲۸.
۴۹. حور عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹.
۵۰. محمد بن عمر بن واقدی، پیشین، ص ۷۶۰.
۵۱. رعد: ۲۶.
۵۲. معنویت، پیشین، ص ۱۲.

۵۳. توبه: ۳۸.
۵۴. آل عمران: ۱۵۲.
۵۵. ابن هشام، السيرة النبوية، پیشین، ج ۳، ص ۷۹؛ واقدی، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۷.
۵۶. انفال: ۱۶ و ۴۵.
۵۷. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۴۷.
۵۸. سبحانی، پیشین، ج ۲، ص ۶۲.
۵۹. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۱۸.
۶۰. فروع کافی، ج ۳، ص ۲۶۴.
۶۱. طه: ۱۴.
۶۲. معنویت، پیشین، ص ۱۹۱.
۶۳. بقره: ۱۵۳.
۶۴. در این زمینه ر.ک: سبحانی، پیشین، ص ۱۰۴.
۶۵. سيرة ابن هشام، ج ۲، ص ۲۰۸ و ۲۰۹. (به نقل از جعفر سبحانی، پیشین، ص ۱۰۶)
۶۶. تقی زاده اکبری، پیشین، ص ۶۰.
۶۷. غافر: ۶۰.
۶۸. علی مشکینی، مصباح المنیر، قم: یاسر، ص ۱۵.
۶۹. بقره: ۲۵۰.
۷۰. عمر الزمخشری، تفسیر کشاف، ج ۲، تهران: آفتاب، ص ۲۰۰.
۷۱. ر.ک: ابی الفرج جوزی، الوفاء باحوال المصطفی، ج ۲، ص ۶۷۳.
۷۲. عوامل پیروزی و شکست، مرکز تحقیقات اسلامی، قم: مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱.
۷۳. انفال: ۴۵ و ۴۶.
۷۴. واقدی، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۳.
۷۵. نور: ۶۲، نساء: ۵۹.
۷۶. البته حق هم همین بود. رسول خدا(ص) فرماندهی ایده آل بود که با شکیبایی در سختی ها، شجاعت در تنگناها، مساوات در رفتار و مشورت در امور، همه سپاهیان را مجذوب خویش ساخته بود و از گفتار و رفتار او تنها حق و حقیقت می تراوید.
۷۷. علامه مجلسی، پیشین، ج ۱۹، ص ۲۷۹.
۷۸. محمود شیث الخطاب، پیشین، ص ۱۱۹.
۷۹. نساء: ۸۳.
۸۰. سبحانی، پیشین، ج ۲، ص ۳۲.
۸۱. بقره: ۲۱۶.
۸۲. انفال: ۶۰.
۸۳. ارزیابی سیاسی - نظامی جنگهای پیامبر اکرم(ص)، مرکز تحقیقات اسلامی، تهران: نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ دوم: ۱۳۷۸، ص ۱۳۹.
۸۴. نساء: ۹۵.
۸۵. توبه: ۹۲.
۸۶. سيرة ابن هشام، ج ۴، ص ۱۶۱.
۸۷. همان، ج ۳، ص ۹۰.